

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وير زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد م. نسیم [اسیر]
شهر کابل
سنبله ۱۳۳۰ ش
اگست ۱۹۵۱ م

پاچه گیر

از دفتر خاطرات گذشته

در ملک ما کسی که رئیس و وزیر شد
چون تکیه بر اریکه جـاه و مقام زد
در پیش پای مقتدران خم نمود سر
کاکا رجب که بی هنر و بی سواد بود
برپا نمود بزم سرور و شراب و عیش
در رمه همچو گرگ فتاد و درید و رفت
بس خائنی که صاحب جاه و جلال گشت
آن را که بود واسطه خـانوادگی
گر شاعر است یا که نویسنده حیف، حیف
هر آمری که رشوه ستانـد به دفتری
دیگر مخـور برای خدا خون مردمان
گفتم که راست باش به پیش خدا و خلق
شد روسیاه هر که خیانت به قوم کرد
ز د غوطه ها به کان نمک تا خمیر شد
در فکر کار خود شد و راحت پذیر شد
بر بی وسیلگان وطن سختگیر شد
با مکر و حيله واسطه کرد و مدیر شد
رشوت بداد و رشوه گرفت و شریر شد
یعنی خدا نکرده "سگ پاچه" گیر شد
بس بی گنه که هیچ نکرد و اسیر شد
پیهم سفر نمود و مکرر سفیر شد
بهر ستایش دوسه ناپاک اجیر شد
مادون به کار چور و چپو ناگزیر شد
بگذار جور و ظلم که مردم فقیر شد
کجرو سیاهروی و زبون و حقیر شد
چون جاده پراز گل ولای که قیر شد

خاموش باش [اسیر] که از فرط انتقاد

در شهر هر که می نگرم با تو خیر شد